



۲۰۱۸/۰۷/۱۰

شریف حکیم

## رد پای خراسان

آنچه درین نوشته در مورد خراسان می خوانید بدون کم و کاست از کتاب تاریخ افغانستان بعد از اسلام تألیف پوهاند عبدالحی حبیبی گرفته شده است.

در ابتدای این نوشته لازم می بینم تا موضع خود را واضح سازم تا زحمت مطالعه این متن را برای آنانیکه اندیشه های تشکیل لوی افغانستان و خراسان بزرگ را در سر می پروراند کم کرده باشم.

من به همین افغانستان کوچک که شاید روزی آرامشش را باز یافته و خانه مشترک، بدون هر نوع تبعیض و تفوق طلبی، برای همه ساکنانش گردد معتقد هستم، تا به تشکیل لوی افغانستان و خراسان بزرگ، چون به این باورم که این فرضیه ها پشتوانه مردمی نداشته و خیالبافی مطلق حلقه های کوچکی است تا بقای حضور شان را در قدرت به قیمت آرامش و امنیت مردم حفظ نمایند.

چون با دنیای مجازی رخنما Facebook سر و کار دارم با تأسف متوجه شده ام که مقالاتی از نام افرادی نشر می شود که به ملیت بزرگ پشتون تعلق دارند ولی برخلاف طرز دید توده های عظیم قوم شان برای تنزیل و تحقیر موقعیت ملیت های غیر پشتون دسیسه می چینند و برنامه ریزی می نمایند. محتوای تحریک آمیز، بی اساس و خیالی این مقاله ها که هیچ هدفی جز ایجاد تفرقه میان اقوام عمده این سرزمین ندارد، موجودیت خراسان را به صفت یک کتله جغرافیایی رد کرده و تشکیلات سیاسی و اداری را که در گذشته به این ساحه منسوب بوده افسانه پردازی تاجک ها می دانند و در تلاش اند تاریخ و جغرافیایی جعل کنند.

در یکی ازین مقاله ها که به گمان غالب با خاطری آسوده از ملال، در کناره های سواحل گرم، دور از سرزمین انتحار و انفجار نوشته شده بوی وجدان خوابیده به مشام می رسد که هدف اعلایش جعل تاریخ، ایجاد نفرت و فاصله بین مردم این سرزمین است، ورنه ترویج اطلاعاتی چنین نادرست هیچ دست آوردی ندارد. نویسنده این مقاله چنین ادعا کرده :

"جغرافیای موجود زیستگاه ما پیش از نامگذاری افغانستان هیچگاه خراسان نامیده نشده و به نام خراسان هیچگاه کدام دولت و یا ساختار مشابه دولت را در خاطره ندارد"

یار در خانه و من گرد جهان می گردم

آب در کوزه و من تشنه لبان می گردم

اگر این نویسنده واقعاً با تاریخ و جغرافیای این سرزمین آشنایی میداشت و سری به آثار مؤرخ شناخته شده کشورش شادروان پوهاند عبدالحی حبیبی زده بود شاید چنین هوایی فیر نمیکرد ولی معلوم است که از واقعیت ها خوشش نمی آید.

میرهن است که دسترسی به منابع خارجی و اتکا به آنها آنقدر نویسنده های این قماش را مجذوب و محصور گردانیده که داشته های خود را فراموش کرده اند، نقل قول از منابع خارجی را فهمیدگی خویش پنداشته به نمایش می گذارند و تبصره های نه چندان معتبر را بی شرمانه جای گزین حقایق ثبت شده در تاریخ سرزمین ما می نمایند. در این نوشته حقایق را در کتابی جست و جو می کنیم که توسط یکی از سرشناس ترین مؤرخین کشور خود ما تهیه و تدوین شده:

**" تاریخ افغانستان بعد از اسلام " اثر ماندگار شادروان پوهاند حبیبی که در سال ۱۳۶۳ در ۱۰۵۸ صفحه به زبان فارسی به چاپ رسیده است.**

چون موضوع خراسان است بحث خود را از فصل خراسان این کتاب آغاز می کنیم .  
حبیبی عنوان صفحه ۱۴۰ کتابش را با خط درشت " خراسان " انتخاب کرده و از تحقیقات وسیعش در معرفی این خطه در صفحات متمادی بعدی پرده بر میدارد و می نویسد که :  
" نام حصه اعظم سرزمین افغانستان غربی و شمالی تا تخارستان و مجاری هلمند و کابل در قرن هفتم میلادی خراسان بود و چنین به نظر می آید که این نام در عهد ساسانیان از قرن پنجم میلادی به بعد شهرت یافته .  
حبیبی ریشه خراسان را در آثار مورخین و نویسندگان آن عصر چنین تحقیق کرده است :

■ ۱- فخرالدین گرگانی که کتاب ویس و رامین را در ۴۴۵ هجری قمری در مثنوی لطیف و دل انگیز دری سروده پهلوی هم می دانسته که در مورد نام خراسان چنین گفته است

خوشا جایا برو بوم خراسان  
درو باش و جهان را می خور آسان  
زبان پهلوی هر کا شناسد  
خراسان آن بود کز وی خور آسد  
چه خوش نامست و هم خوش آب و خاک است

زمین و آب و خاکش هر سه پاک است ( ویس و رامین صفحه ۱۲۸ )

■ ۲- از مؤرخان دوره اسلامی از "عبدالحی بن ضحاک گردیزی" مؤرخ دوره غزنویان حدود ۴۴۱ هجری نام میبرد که او نام خراسان را تا عهد اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۱ میلادی) بالا میبرد. ضحاک چنین گوید :

"و اردشیر مر خراسان را چهار مرزبان کرد :

۱- مرزبان مرو شایکان

۲- مرزبان بلخ و طخارستان

۳- مرزبان ماورالنهر

۴- مرزبان هرات و پوشنگ و بادغیس

■ ۳- حبیبی به نقل قول از مورخ دیگری به نام "هرتسفلد" در شرح کتیبه پایکلی حدود خراسان در دوره ساسانی را در صفحه ۱۴۲ کتابش چنین بیان می کند :

"از حدود ری در سلسله جبال البرز به گوشه جنوبی شرقی بحیره خزر خطی کشیده و آنرا به لطف آباد برسانید، و از آنجا از تجند و مرو گذرانیده به کرکی و جیحون وصل کنید و بعد از آن همین خط را از کوه حصار به پامیر و از

انجا به بدخشان پیوست کنید که از بدخشان با سلسله کوه هندوکش به هرات و قهستان و ترشیز و جنوب خواف برسد و واپس به حدود ری وصل گردد."

■ ۴- حبیبی همچنان در صفحه ۱۴۲ مینویسد که :

" در باره اینکه کلمه خراسان بر همین سرزمین افغانستان در ازمنه قبل از اسلام هم اطلاق می شده و شامل تمام این سرزمین بوده اسنادی موجود است که در مسکوکات هفتلیان این پادشاهان را خراسان خواتا و یا خراسان خدای نوشته اند، همچنین در یکی از مسکوکات زبان پهلوی تگین خراسان شاه دیده می شد."

■ ۵- حبیبی به تشریح حدود خراسان ادمه داده و در صفحه ۱۴۴ کتابش از یاقوت حموی که او را از بصیر

ترین جغرافیا نویسان عصر اسلام و بلاد خراسان نامیده است چنین نقل قول میکند :

" خراسان از آزاد ورد عراق و جوین بهیق آغاز شده و آخر حدود آن به تخارستان و غزنه و سیستان که متصل هند است می رسد. و دارای چهار ارباع است."

۱- ربع ابهر شهر مشتمل بر نشاور و قهستان و طبسین و هرات و فوشنج و بادغیس و طوس و طاهران،

۲- ربع دوم مرو شاهجان و سرخس . نساوا بیورد و مرو و رود و تالقان و خوارزم و آمل بالای جیحون،

۳- ربع سوم فاریاب و جوزجان و طخارستان علیا و خوست و اندراب و بامیان و بغلان و اوایح رستاق و بدخشان،

۴- ربع چهارم ماورا النهر از بخارا تا شاش و صغد و فرغانه و سمرقند،

■ ۶- حبیبی از مؤلف "حدود العالم" که می گوید به گمان غالب "ابن فریغون" نام داشته و به حدس "مینارسکی"

از دودمان آل فرغون خراسان بوده در سال ۳۷۲ هجری حدود خراسان را چنین بیان کرده :

" شرقاً هندوستان و مغرب آنرا نواحی گرگان و شمال آن رود جیحون، تخارستان و بامیان و پنج هیر (پنجشیر) و تمام بلاد افغانستان کنونی را در خراسان یا ناحیت های آن می شمارد و به مفهوم وسیع خود خراسان دوره سامانی را نشان میدهد"

■ حبیبی می افزاید که :

"پس خراسان اوایل دوره اسلامی را شامل تمام مملکت افغانستان کنونی گفته می توانیم که مراکز مهم آن درین خاک بودند و مردم کرانه های دریای سند و وادی بولان تا کنون کوچیان افغان را خراسانی می نامند. و این نامیست که از زمان قدیم باقی مانده."

فکر کنم تا اینجا جناب حبیبی با وضاحت تشریح نمودند که خراسان یک پدیده خیالی تاجک ها نبوده بلکه یک سرزمینی وسیع با حدود اربعه بوده که نه تنها تاجک ها بلکه همه اقوام کنونی کشور در آن می زیستند.

با در نظر داشت موقف پوهاند حبیبی در بین مؤرخین و نویسندگان کشور، هر نوع ادعای دیگری را در مورد تنزیل مقام خراسان آن زمان میتوان بسادگی رد کرد. خواندن این کتاب برای فرونشانی آتش متعصبین شاید موثر واقع شود.

شریف حکیم جولای ۲۰۱۸ سدن

